

شبان

مؤسسه «تعلیم» تقدیم می‌کند: TALIM Ministries

مجله شبان

شماره ۲۳، سال چهارم، اکتبر ۲۰۰۳
مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین،
به منظور تشویق، تعلیم، و تجهیز ایشان.

قدرت بخشش کتاب مقدسی

بخش نخست

از کشیش تیت استیو آرت

دیوار نمی دانستیم که در پس آن چه می‌گذرد، اما وقتی فروریخت دیدیم بچه‌های بسیار خوبی در آن سوی دیوار زندگی می‌کنند و بعد با آنان آشنا شدیم و با هم به بازی پرداختیم. ما ازدوستی و مصاحبت یکدیگر لذت می‌بردیم تا آنکه که در نهایت تأسف، یک بتا و کارگزارش دیوار را بازسازی و مرمت کردند. همچنان که دیوار بالا می‌رفت، ما نیز از یکدیگر دورتر می‌شدیم و دوستان جدیدمان را از دست می‌دادیم. مسیح آمد تادیوارهای جدایی را فروریزد و در هم شکند و از ما نیز انتظار آن دارد که قدرت بخشش کتاب مقدسی را درک کنیم.

نیست که مو عظه کردن در مورد بخشش بسی آسانتر از بخشیدن است، یعنی عملی که ثمره عملکرد روح القدس در درون ما است.

«و بایکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است» (افسیان ۴: ۳۲).

وقتی دیوار حیا فروریخت، دیدیم بچه‌های بسیار خوبی در آن سوی دیوار زندگی می‌کنند و بعد با آنان آشنا شدیم و با هم بازی کردیم

آیا دشوارتر از این چیزی هست؟

بخشش در قلب انجیل جای دارد، و به وضوح و قدرت تمام، در بخشوده شدن ما توسط خدا به ظهور می‌رسد، خدایی که از طریق کار گرانهای عیسی مسیح بر صلیب ما را بخشید. وقتی ما دیگران را می‌بخشیم، آنان را که با اعمال و گفتار خود ما را مجروح ساخته‌اند، بیش از هر زمان دیگر شبیه مسیح می‌شویم. و در بخشودن دیگران است که نشان می‌دهیم تا چه حد از فیض مسیح برخوردار گشته‌ایم. وقتی دیگران را می‌بخشیم، چنان می‌کنیم که مسیح در حق ما کرد، زیرا محبت خطایای دیگران را ثبت و ضبط نمی‌کند بلکه گناهان بسیار را می‌پوشاند. اما با وجود این همه، آیا چیزی دشوارتر از بخشیدن وجود دارد؟ هر بار که در باره بخشش مو عظه می‌کنم، با این سؤال مواجه می‌شوم: «آیا باید شخصی را ببخشم که هرگز طلب بخشش نکرده است؟ اگر او را ببخشم آیا درس عبرت خواهد آموخت؟ آیا در مورد او عدالت را اجرا کرده‌ام؟ اگر هر بار او را ببخشم و او به خطایای خود ادامه دهد چه؟ چند بار باید او را ببخشم؟ جای شک

دیوار حیا طمان خراب شد!

من خود را ملزم به نوشتن در مورد این موضوع می‌دانم چرا که در طی دوران سی ساله خدمت خود دیده‌ام که هیچ چیز دیگری به اندازه نبخشیدن یا روحیه عدم بخشش، پیکر کلیسای مسیح را مصدوم و مخراب ساخته است. مسیح ما را به خدمت مصالحه فراخوانده است (۲ قرن تیان ۵: ۱۸-۱۹) و به ما آموخت که آمده است تادیوار جدایی و نفاق را از میان ما بردارد (افسیان ۲: ۱۴)، حال آنکه برخی از ما نه تنها بدین دیوارها چنگ زده‌ایم، بلکه دیوارهای جدید و مرتفع‌تری نیز بنا می‌کنیم. سالها پیش وقتی در تبریز زندگی می‌کردیم، دیوار حیا طمان به علت بارندگی زیاده‌روی ریخت. پیش از فروریختن

تنها راه برای آزادی در روابط

وقتی نیرویی درونی، شما را وامی‌دارد که زخم و جراحت درونی و درد ناشی از آن را تازه نگه دارید، بدانید که خدا شما را فرامی‌خواند تا همه را کنار بگذارد. شما را فرامی‌خواند تا دیگران را ببخشید زیرا این تنها راهی است که می‌توانید از طریق آن از تمامی تلخی و تیرگی موجود در روابطتان آزاد شوید (عبرانیان ۱۲: ۱۵). این تنها راهی است که از طریق آن می‌توانید مسخ روح القدس را بر زندگی و خدمت خود جاری سازید (افسیان ۴: ۳۰-۳۲). به تدریج (ص ۱۲)

(ص ۱ ❀)

کمی آموزید دیگران را ببخشید همانگونه که خدا شما را ببخشید، برکات خدا به طور مضاعف به شما عطا می شود.

در این بحث نقل قول های خود را از کتاب «بخشش کامل» نوشته آر. تی. کندل اقتباس کرده ام. و از آنجا که این کتاب به فارسی ترجمه نشده است، می خواهم پیام قدرتمند آن را با شما در میان بگذارم.

برای درک بهتر مفهوم واقعی بخشش کتاب مقدسی، می خواهم بر اساس نوشته کندل بر شمارم که بخشش چه چیزهایی نیست.

بخشش چه نیست

۱- بخشودن دیگران به مثابه تأیید اعمال نادرستشان نیست. خدا از گناه بیزار و متنفر است اما گناه کاران را دوست دارد و آنان را می بخشد. این حقیقت رابه و موضوع در شرح داستان زنی که در حال زناگرفتار شده بود می بینیم. عیسی به او گفت «برو و دیگر گناه مکن» (یوحنا: ۸: ۱۱). ما نیز باید بیاموزیم که بخشودن دیگران به مثابه تأیید اعمال نادرستشان نیست.

۲- بخشودن دیگران به مثابه توجیه اعمال نادرستشان نیست. یک بار شنیدم که فردی در صدد بود تا کار سارق را که چیزی دزدیده بود توجیه کند و می گفت که او به علت فقر و گرسنگی، دست به دزدی زده است. دزدی گناه است صرف نظر از هرگونه توجیهی که فرد خاطی می تواند داشته باشد. پس بخشودن دیگران به مثابه پیدا کردن توجیهی برای گناهان نشان نیست.

۳- بخشودن یک فرد به معنای عفو و بخشودگی قانونی نیست. عفو و بخشودگی قانونی بدین معنا است که تمامی تبعات و عواقب اعمال

خلاف یک شخص را نیز عفو کنیم. این موضوع زمانی برای من واضح و آشکار شد که خانمی ایرانی ساکن یکی از کشورهای غربی به پلیس مراجع کرد و گفت که شوهرش او را کتک می زند. مأموران نیز شوهر او را دستگیر کردند و به زندان انداختند. این خانم به من تلفن کرد و در حالی که گریان بود گفت: «شوهرم را می بخشم و می خواهم به خانه برگردد». اما بخشودن آن خانم نمی تواند تبعات و عواقب عمل اشتباه شوهرش را عفو کند چرا که او قانون مملکت را زیر پا گذاشته بود و باید عواقب کار خود را نیز متحمل می شد.

۴- بخشش دیگران به معنای مصالحه با آنان نیست. زیرا در مصالحه باید هر دو شخص حضور داشته باشند و باید یکی دیگر مصالحه کند؛ اگر چه برخی مواقع بخشش منتهی و موجب مصالحه نیز می شود. اما برخی مواقع نیز فردی دیگری را می بخشد اما فرد دیگر حاضر به دریافت بخشش نیست. و یا ممکن است که ما فردی را ببخشیم که دیگر در قید حیات نیست و این نیز موجب مصالحه نمی شود. اگر چه مصالحه با دیگران هدفی مطلوب و ایده آل است اما حتی زمانی که دیگران حاضر به مصالحه نیستند نیز می توانیم بخشودن را بیاوریم.

۵- بخشودن به معنای آن نیست که عمل خطایی انجام نشده است. برخی مواقع خطایی که رخ داده چنان دهشتناک و دردناک است که ما سعی می کنیم بر آن سرپوش بگذاریم و چنان وانمود کنیم که گویی هرگز رخ نداده است. سوء استفاده جنسی در دوران کودکی اغلب چنان دشوار و دردناک است که افراد آن را در اعماق وجود و ضمیر ناخود آگاه خود فرو می برند و این خود می تواند منشأ بروز افسردگی و انواع مشکلات روحی باشد. اما بخشیدن به معنای

روبرو شدن با حقایق و بخشودن با مدد و فیض خدا است. فرد مجروح می تواند از رنج و عذاب درونی رهایی یابد اما پیش از شفای الهی باید در حضور خدا با آن روبرو شود و احساسش کند.

۶- بخشش به معنای فراموش کردن عمل خطا نیست. اگر چه گذشت زمان بسیاری از زخمها را التیام می بخشد، اما صرفاً برای فراموش کردن خطا و گناهی که علیه افراد انجام شده کافی نیست. اولاً ما به ندرت می توانیم حقیقتاً جراحات گذشته را فراموش کنیم. اخیراً فردی پیش من اعتراف کرد که مرا ببخشیده است، و من از شرح جزئیات آنچه را که سالها پیش اتفاق افتاده بود شگفت زده شده بودم. ما به جای آنکه فراموش کنیم، باید ببخشیم؛ و پس از بخشیدن، دیگر نباید از آنچه اتفاق افتاده چیزی به دل بگیریم و همچون فردی زخم خورده با شخص خاطی روبرو شویم. بسیاری از ازدواجها در اثر یادآوری آنچه در گذشته اتفاق افتاده از هم فرومی پاشند.

۷- بخشیدن بدان معنا نیست که وانمود کنیم صدمه ای ندیده ایم. تاکنون چند بار شده که فردی را دیده باشید و در ظاهر چنان وانمود کنید که گویی با او در مصالحه اید حال آنکه در باطن از او متنفر بوده اید؟ شاید هم مثل من فکر کنید که چون مسیحی هستید، پس نباید احساس رنجش و جراحات کنید و چنان وانمود کنید که گویی چیزی اتفاق نیفتاده است. اما اگر مراقب نباشید، همان وانمود کردن ها و ظاهرسازی های کوچکی می تواند روح تلخی در ما به وجود آورد که روح القدس را آزرده می سازد. پس بهتر آن است که صادقانه ابراز کنیم که مجروح و مصدوم شده ایم و بعد تصمیم بگیریم که فرد خاطی و گناه کار را ببخشیم. ■

(ادامه دارد)

چگونه خداپسندانه رهبری کنیم

مطالب این شماره:

- قدرت بخشش کتاب مقدسی
(بخش ۱) (تت استیوآرت) ص ۱
- مجموعه ازدواج مسیحی:
(بخش ۱) (تت استیوآرت) ص ۳
- درک مفهوم صلیب مسیح
(ادیسون ساعد) ص ۵
- میراث کلیسایی ما
(بخش ۳: کلیسای اسقفی)
(نینوس مقدس‌نیا) ص ۹
- موعظه خود را جذاب‌تر کنید!
(تت استیوآرت) ص ۱۱

مجله شبان

مدیر و سردبیر:

کشیش تت استیوآرت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.
P.O. BOX 471736
Aurora, Colorado 80047-1736
U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11
Fax: +1-303-873 62 16
tatstewart@compuserve.com

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت می‌دارند، می‌توانند نام و نشانی سایر خادمینی را که این مجله به‌دستشان نمی‌رسد، به دفتر مجله بفرستند تا مجله برای ایشان نیز ارسال گردد.

خدا به‌هنگام انتخاب افراد برای خدمت رهبری، به شخصیت آنان توجه دارد، در حالیکه ما بیشتر به استعدادها و مهارت‌های آنان توجه می‌کنیم. اما خدا می‌داند که آموختن مهارت‌ها بسیار آسانتر از شکل دادن به شخصیت است، زیرا این کار زمان بیشتری می‌طلبد. وقتی پولس به تیموتاؤس پند و اندرز می‌دهد که چه نوع افرادی را به خدمت رهبری بگمارد، بیشتر بر روی ویژگی‌های شخصیتی تأکید می‌ورزد. او در اول تیموتاؤس ۲:۳-۱۳ ده خصوصیت را برمی‌شمارد:

۱- بی‌ملاحت (آیه ۲ و تیطس ۷:۲). منظور این نیست که رهبر باید بی‌گناه باشد، بلکه فردی که آشکارا و مشهود در گناه زندگی نمی‌کند و دیگران خدمت و نقش او را زیر سؤال نمی‌برند؛ فردی که وجهه خوبی دارد و به صدق عمل و گفتار معروف باشد.

۲- تنها یک زن داشته باشد (آیه ۲ و تیطس ۶:۱). منظور این است که رهبر باید نسبت به تنها یک زن متعهد و سرسپرده باشد. مضافاً یک رهبر زنان دیگر را همچون خواهران خود در مسیح می‌بیند و با آنان با احترام رفتار می‌کند.

۳- هوشیار و خردمند (آیه ۲ و تیطس ۸:۱). رهبر باید هوشیار و بر احساسات خود مسلط باشد، سریع به‌خشم نیاید و بازیچه احساسات خود نباشد.

۴- مهمان‌نواز (آیه ۲ و تیطس ۸:۱). کلیسا یک خانواده است و رهبر کسی است که قادر باشد غریبه‌ها را به‌گرمی بپذیرد. دسترسی به او باید امکان‌پذیر باشد و دیگران بتوانند به‌راحتی نگرانی‌ها و مسایل خود را با او در میان بگذارند.

۵- راغب به تعلیم (آیه ۲ و تیطس ۹:۱). رهبر باید در درجه اول تعلیم‌پذیر باشد و استعداد تعلیم و تعلم داشته باشد و مشتاق آن باشد که این تعلیم را به دیگران نیز بیاموزد.

۶- نه میگسار (آیه ۳ و ۷:۱). رهبر نباید معتاد به مشروبات الکلی و یا مواد دیگر باشد، چیزهایی که بر توانایی‌ها و عملکرد او اثر منفی می‌گذارند و مانع می‌شوند او تحت کنترل روح‌القدس قرار بگیرد.

۷- نه زنده و نه جنگجو (آیه ۳ و تیطس ۷:۱). رهبر باید در خشم گرفتن آرام، و با آنان که با او مخالفت می‌ورزند صبور و بردبار باشد. او باید فردی صلح‌جو باشد و میان آنان که در بدن مسیح با یکدیگر اختلاف‌نظر دارند صلح برقرار سازد.

۸- نه طماع و سودجو (آیه ۳ و تیطس ۷:۱). رهبر نباید اجازه دهد حُب مال یا مال‌پرستی، رهبری او در کلیسا را تحت کنترل قرار دهد و نیز نباید اغنیا را بر فقرا مقدم بشمارد. بلکه باید نمونه‌ای باشد از فردی که ده‌یک خود را به خداوند تقدیم می‌کند و بدین ترتیب بر وفاداری خدا شهادت می‌دهد.

۹- مُدبّر اهل خانه خود (آیه ۴-۵). رهبر باید خانواده خود را به‌خوبی مدیریت کند. باید به نیازهای خانواده‌اش رسیدگی کند و نشان دهد که از لحاظ روحانی می‌تواند هادی و راهنمای همسر و فرزندان خود باشد.

۱۰- نه جدیدالایمان (آیه ۶). رهبر باید جافتاده و پخته بوده، نمونه‌ای نیک باشد برای همگان، چه آنان که در کلیسا هستند و چه آنان که بیرون کلیسا. چنین فردی باید در طول زمان آزمایش خود را به کلیسا پس دهد و نشان دهد که برای احتراز چنین وظیفه خطیری شایستگی و تجربه کافی را به‌دست آورده است. برای شبانان بسیار مفید خواهد بود که برای رهبران کلیسا، دوره‌های تعلیمی ترتیب دهد.

دعوت خدا برای شوهر مسیحی

مجموعه ازدواج مسیحی: بخش نخست

نوشته کشیش تیت استیو آرت

ارزش دیدگاه‌های همسرش را درک می‌کند و برای آن ارزش قائل است، در فرایند تصمیم‌گیری از این دیدگاهها بهره می‌گیرد. و هرگاه در مورد موضوعی توافق آرا وجود نداشته باشد، موضوع را به حضور خدا می‌برد و از همسر خود می‌خواهد که از او پیروی کند.

● شوهری که از فیض مسیح برخوردار است و بر مبنای آن عمل می‌کند کسی است که می‌تواند نزد همسرش به خطایای خود اعتراف کند و می‌داند چگونه تقاضای عفو و بخشش نماید.

محبتی مسیح‌وار

شوهران مسیحی فراخوانده شده‌اند تا همسرانشان را محبت کنند، آنگونه که مسیح کلیسا را محبت می‌کند. «ای شوهران زنان خود را محبت نمایید، چنانکه مسیح هم کلیسا را محبت نمود و خویشتن را برای آن داد.» (افسیان ۵:۲۵). ای شوهران آیا می‌خواهید بدانید (☪)

راهبری آن می‌پردازد. و با خدمت به همسر و فرزندانش می‌کوشد تا رهبری خادم باشد (متی ۲۵:۲۰-۲۸).

● چنین شخصی با اطاعت از مسیح و سرسپردگی، هر روز از کلام او هادی خانواده خود می‌شود و به همسر خود اطمینان می‌بخشد که تحت کنترل و هدایت روح القدس زندگی می‌کند.

● هر روزه خانواده خود را، و مخصوصاً همسرش را، در دعا رهبری می‌کند. هیچ عمل دیگری همچون دعا کردن همسران با یکدیگر نیست که بتواند آنان را با هم نزدیک و متحد کند.

● شوهر مسیحی خانواده خود را در رفتن به کلیسا و مشارکت و عبادت خدمت جمعی رهبری می‌کند.

● شوهری وفادار به فرزندان خود انضباط می‌آموزد و در برابر آنان از تصمیمات همسر خود حمایت می‌کند.

● شوهری خداپرست در تصمیم‌گیری‌های اساسی زندگی رهبری و هدایت خانواده را به دست می‌گیرد. او نه چون یک دیکتاتور بلکه همچون کسی که

پولس رسول به تأکید می‌گوید که در ازدواج مسیحی، زن و شوهر هر دو به یکسان نزد خدا با ارزش‌اند: «هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن، زیرا که همه شما در مسیحی عیسی یک می‌باشید» (غلاطیان ۳:۲۸). اما کتاب مقدس در عین حال میان نقش و مسئولیت‌هایی که برای هر یک از طرفین، چه زن و چه شوهر، در نظر گرفته شده تمایز قائل می‌شود. بیایید موضوع فراخوانی و دعوت خدا از شوهران را با یکدیگر بررسی کنیم.

دعوت خدا از شوهران

● خدا شوهران مسیحی را فراخوانده است که هدایت روحانی خانواده خود را عهده‌دار باشند (افسیان ۵:۲۳، اول قرنتیان ۱۱:۳، و اول تیموتاؤس ۳:۴-۵).

● یک شوهر مسیحی نسبت به خانواده خود منفعل نیست و اجازه نمی‌دهد که خانواده‌اش به انحراف کشیده شود بلکه با دلسوزی به هدایت و



چگونه می‌توانید همسرانتان را محبت کنید؟ پس مطالعه کنید و ببینید که مسیح چگونه کلیسا را محبت کرد - محبت او غیرمشروط بود (رومیان ۵:۸). شوهران فراخوانده شده‌اند که همسرانشان را عمیقاً محبت کنند و به آنان اطمینان ببخشند که صرف‌نظر از هر آنچه که ممکن است اتفاق بیفتد، آنان را دوست خواهند داشت و محبت خواهند نمود. محبت عیسی پایان‌ناپذیر بود (یوحنا ۱۳:۱). شوهران بدانید که همسرانتان نیازمندند بدانند که تا مرگ شما را از یکدیگر جدا سازد دوستشان خواهید داشت. محبت خداوند و سرور ما جان‌بازانه و ایثارگرانه بود (رومیان ۵:۱۱-۶). ای شوهران شما فراخوانده شده‌اید تا نیازهای همسرانتان را بر نیازهای خود ارجح و مقدم بدانید و لذات خود را به‌خاطر آنان فدا کنید. عیسی در کلام و عمل کلیسا را محبت نمود (یوحنا ۱۴:۱-۳). همچنان به‌عنوان شوهران فراخوانده شده‌اید که با کلام و اعمال محبت‌آمیز با همسرانتان برخورد کنید.

اهمیت ابراز محبت

حال برای ابراز محبت نسبت به همسرانتان چند راه حل عملی ارائه می‌دهیم. با کلام و اعمال خود به همسران بگویید او را دوست دارید و محبت می‌کنید. این نکته حیاتی است که

بدانید چه چیزی می‌تواند به همسران اطمینان بخشد که دوستش دارید و عزیزش می‌دارد. می‌توانید از او پرسید: «چه کاری می‌توانم بکنم که احساس کنی واقعاً دوستت دارم؟» حتی ممکن است از پاسخ همسران غافلگیر و متعجب شوید. همچنین باید به شما گوشزد کنم که همسرانتان نیازهایی دارند که که شما باید آنها را کشف کنید، چرا که ممکن است آنها را مستقیماً با شما در میان نگذارند. اما ممکن است همسران بدین دلیل ناراحت باشد و مدام انتقاد کند که از شما انتظار داشته باشد او را بیشتر بشناسید و نیازهای او را بهتر بدانید. به همین دلیل است که پطرس می‌نویسد باید در شناخت همسرانمان بیشتر بکوشیم و نیازهایشان را بهتر درک کنیم (اول پطرس ۳:۷).

نیازهای بازگوشده زنان

حال به برخی از نیازهایی که غالباً زنان آنها را ابراز نمی‌کنند اشاره می‌کنیم:

- ۱- زنان می‌خواهند در زندگی شوهرشان نفر اول باشند.
- ۲- می‌خواهند بدانند شوهرانشان به‌عنوان یک شخص به آنها احترام می‌گذارند و بدان‌ها عشق می‌ورزند.
- ۳- می‌خواهند بدانند که شوهرانشان آنها را در نقطه ضعف‌هایشان حمایت می‌کنند.
- ۴- می‌خواهند بدانند که شوهرانشان

از مصاحبت با آنان لذت می‌برند.
۵- می‌خواهند بدانند شوهرانشان رازدار و قابل اعتمادند.
۶- می‌خواهند بدانند که شوهرانشان آنها را تشویق کرده، به آنان کمک می‌کنند تا استعدادهایشان را شکوفا سازند.

راههایی برای ابراز محبت

حال به ذکر چند نکته عملی می‌پردازم که می‌توانید از طریق آن محبت خود را به همسران ابراز کنید:

- ۱- در کارهای منزل به آنها کمک کنید، مخصوصاً وقتی که خسته هستند.
- ۲- نه تنها در حضور جمع بلکه در خلوت خانه نیز از آنان تقدیر کنید.
- ۳- همچنین در حضور دیگران از آنان تقدیر و تشکر کنید.
- ۴- به نیازهای مالی‌شان رسیدگی کنید (اول تیموتاؤس ۵:۸) و با ذکر نامشان در تمامی حساب‌های بانکی و املاک مشترک، اعتماد خود را بدیشان نشان دهید. همچنین به یاد داشته باشید که وصیت‌نامه‌ای نیز تنظیم کنید.

در پایان به خاطر داشته باشید که شما آنچه را که کاشته‌اید درو می‌کنید. همسران خود را محبت کنید همچنان که مسیح کلیسا را محبت کرد، و آن وقت خواهید دید که آنان چگونه در فیض و محبت رشد خواهند کرد و محبتشان نیز نسبت به شما افزون خواهد شد. ■

درک مفهوم صلیب مسیح

نوشتۀ ادیسون ساعد

مرد یهود، ننگی بالاتر از این نبود که دیگران او را برهنه و عریان ببینند، و عیسی از این امر مستثنی نبود. او می‌بایست با این ضربه روحی شدید دست و پنجه نرم می‌کرد. کسی که تا دیروز شخصی آنچنان محترم و محبوب بود، و بیش از یک قدم با تاج‌گذاری به مقام پادشاه یهود فاصله نداشت، حالا باید شرمند و عریان، سوژه خنده و استهزای رهگذران می‌شد. از همین رو بود که زنان از روی شرم، نزدیک صلیب نیامدند و فقط از دور شاهد خوار شدن و تحقیر خداوندشان بودند.

مصلوبین به‌طور متوسط مدت زمانی بین ۴۸ تا ۷۲ ساعت بر روی صلیب زنده می‌ماندند و زجر می‌کشیدند. پیلاتس از این امر به‌خوبی آگاه بود و به همین سبب، مرگ عیسی پس از ۶ ساعت، مایه تحیر او گردید. این مرگ زودهنگام ثابت می‌کند که این عوامل فیزیکی اعدام، نظیر خونریزی یا درد نبود که عیسی را به کام مرگ فرستاد، بلکه عامل روحی و روانی صلیب بود که مرگ او را تسریع کرد که در این مورد بیشتر شرح خواهیم داد.

بیان اهمیت صلیب از دید خدا

برای درک اهمیت روحانی صلیب، باید اول تثلیث را شناخت. تا ما نتوانیم رابطه سه شخص الهی در تثلیث را بفهمیم، درک واقعی ارزش صلیب غیرممکن است.

(۶ یا ۷ جمله کوتاه)؛ چرا زنان دور ایستاده، «نظاره می‌کردند» (متی ۲۷:۵۵)؛ یا چرا پیلاتس از شنیدن خبر مرگ عیسی تعجب کرد (مرقس ۱۵:۴۴).

در آن روزگار، برای مصلوب کردن شخص، او را بر صلیب می‌خواباندند و سپس دستان او را به حالت کشیده از هر دو طرف نگاه می‌داشتند تا آن را می‌خکوب کنند. این کشیده بودن دستان، به‌هنگام بلند کردن صلیب باعث می‌شد وزن بدن مصلوب به‌راحتی به دستها منتقل شود و اغلب کتف مصلوبین در حین بلند کردن صلیب از جا در می‌رفت. این درد شدید باعث می‌شد تا بیشتر تکیه مصلوب بر روی پاهایش باشد. چون عمل دم و بازدم نیاز به باز شدن قفسه سینه دارد، مصلوب می‌بایست برای هر تنفس به پاهای خود فشار آورد تا بتواند بدن خود را بالا بکشد و تنفس کند و این به منزله تحمل درد شدید برای هر عمل تنفس بود. به همین سبب، مصلوبین اغلب نایی برای سخن گفتن نداشتند و جز جملاتی کوتاه که آن هم اغلب لعن و نفرین و ناله بود، چیزی بر زبان نمی‌آوردند.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، این است که مصلوبین بر خلاف آنچه در تصاویر و مجسمه‌ها می‌بینیم، به‌طور کاملاً برهنه مصلوب می‌شدند. شاید در دنیای امروز برهنگی قبیح خود را نسبت به قرون گذشته و یا حتی چند دهه اخیر از دست داده باشد، ولی برای یک

موعظه‌هایی که پیرامون صلیب عیسی مسیح ایراد می‌شود، گاه حاوی شعارهای خاص مسیحی است: «صلیب افتخار ماست»، «صلیب را بر دوش بگیریم»، یا «گناهان خود را زیر پای صلیب عیسی بگذاریم» و غیره. هر چند ذکر این شعارها شورانگیز و الهام‌بخش است، باید به خاطر داشت که تکرار آنها به‌تنهایی باعث برکت شنوندگان نمی‌گردد.

در این مقاله، به اختصار سعی شده در سه نکته مختصر، نحوه صحیح بیان مفهوم صلیب شرح داده شود تا خادمین عزیز بتوانند موعظه‌های پربارتر و عمیق‌تری را از کلام خدا برای شنوندگان خود تهیه کنند.

توجه به

واقعیات تاریخی صلیب

تشریح رنج و عذاب جسمانی مسیح بر بالای صلیب، سوژه تعداد زیادی از موعظه‌های پیرامون صلیب است. با این حال، این درد و عذاب جسمانی برای عیسی، اصل قضیه نبود و فرع به‌شمار می‌رفت. عذاب جسمانی عیسی از آن جهت اهمیت می‌یابد که کلام خدا به ما یادآور می‌شود که ما به ضرب‌های او شفا یافتیم (۱ پطرس ۲:۲۴؛ اشعیا ۵۳:۵).

در باره واقعیات تاریخی صلیب و وضع مصلوبین تحقیق کنید تا بتوانید شرح دهید چرا عیسی سخنان زیادی بر بالای صلیب نگفت



پدر و پسر و روح القدس از ازل با هم بوده‌اند. اما زمانی رسید که شخص دوم یعنی پسر می‌بایست جلال و عزت آسمانی خود را ترک می‌کرد و انسان می‌شد. یگانه عامل و محرک این امر، محبت بی‌پایان خدا به انسان بود. بنابراین، چون زمان به کمال رسید، اقنوم دوم تثلیث، به اراده پدر، به خواست خود، و به قوت روح القدس، به زمین آمد و جسم شد. جسم شدن تجربه‌ای تازه برای خدا بود، چون هر چند کلمه خدا بارها در عهدعتیق در شکلی مشابه بدن انسانی به اشخاصی چون ابراهیم و یوشع ظاهر شده بود، اما داشتن جسم کامل، با همه محدودیت‌ها و عوارض آن، تجربه‌ای کاملاً تازه بود.

با وجود این، این اوج نمایش محبت خدا به انسان نبود، هرچند ما لیاقت همین قدر را هم نداشتیم. اما خدا که در ذات خودش چیزی جز محبت و عدالت نیست، اینچنین فکر نمی‌کرد. عیسی حتی در جسم هم رابطه خود را با پدر و روح القدس حفظ کرد. ولی بر روی صلیب، لحظه‌ای فرا رسید که عیسی پیش از آن، حتی از اندیشیدن به آن دچار افسردگی شده بود. برای اولین و آخرین بار در همه زمان‌ها، مسیح می‌بایست از پدر و روح القدس جدا می‌شد، ولو برای مدتی اندک. برای ما سخن گفتن در باره این امر چندان دشوار نمی‌آید، اما برای خدای تثلیث که سه شخص آن از ازل در مشارکتی تفکیک‌ناپذیر و محبت‌آمیز بودند، چنین امری به بهایی بسیار سنگین تمام شد. بیهوده نبود که هنگامی که پدر، روی خود را از مسیح که حالا تبدیل به «جسم گناه» شده بود، برگرداند و او را تنها گذاشت، بشریت او طاعت این فشارِ دردآور را نیاورد و قلب او متلاشی شد. صلیب عیسی برای خدا نماد کاری منحصر به فرد است

و پی بردن به ارزش واقعی صلیب، جز با نگریستن به آن از دیدگاه الهی ممکن نیست.

توجه به صلیب به‌عنوان عاملی نجات‌بخش

برای بسیاری از خوانندگان کتاب مقدس، این امر که قربانی‌های عهدعتیق چگونه می‌توانست باعث نجات افراد شود، معمايي است لاینحل، زیرا کتاب عبرانیان به‌وضوح می‌گوید که خون گاوها و بزها نمی‌توانست گناهان را رفع کند (عبرانیان ۱۰:۴).

پس انسان عهدعتیق چگونه می‌توانست نجات یابد؟ آیا با نگاه داشتن شریعت به‌طور کامل؟ تاریخ ثابت کرده است که نگاه داشتن شریعت به‌طور کامل غیرممکن است و حتی اگر کسانی جنبه عینی آن را رعایت کنند، در حفظ مفهومی آن دچار نقص خواهند بود (نگاه کنید به مرقس ۱۰:۱۷-۲۳ که شخص توانگر در عین حفظ شریعت، با شنیدن دستور عیسی، از پیروی او خودداری کرد و با این کار عملاً نشان داد که طمع در وجود اوست و این، نقض حکم دهم بود).

صلیب عیسی از این جهت منحصر به فرد است که محدود به زمان نیست. قربانی عیسی نه فقط برای مردم آن زمان و پس از آن بود، بلکه عطف به ماسبق نیز می‌شد. این امر برای ما قابل درک نیست، اما به یاد داشته باشید که بر خلاف ما انسانهای محدود که زمان برای ما امری خطی است (یعنی همواره رو به جلو در حال پیشرفت است)، برای خدا چنین نیست و زمان حالت خطی ندارد. او از قید زمان رها است. به همین علت است که دیروز برای خدا مثل امروز یا فردا است؛ یا آنطور که کلام خدا می‌فرماید، هزار سال برای او مثل یک روز است (دوم پطرس ۳:۸).

از همین رو، اگر چه از دید ما عیسی در یک دوره تاریخی معین ظاهر گردید و مصلوب شد، برای خدا قربانی او شامل حال تمام انسان‌ها در تمام دوران‌ها گردیده است. اما انسان‌های قبل از دروه صلیب فقط نمادهایی از کفار عیسی در آینده را داشتند و اعمالی که انجام می‌دادند، مانند سایه‌ای بود از اصلی که بعدها رخ می‌داد. یعنی اگر شخصی در عهدعتیق از خدا اطاعت می‌کرد و قربانی‌ای را می‌گذراند، این خون گاو و گوسفند نبود که باعث رفع گناهان او می‌شد بلکه اطاعت و ایمان او به این نماد بود که به مثابه ایمان به عمل نجات‌بخش مسیح بر صلیب در آینده به‌شمار می‌آمد. به‌عبارتی، شخصی در عهدعتیق اگر از خدا اطاعت می‌کرد و قربانی می‌گذراند، درست برای خدا مساوی شخصی بود که به عیسای مصلوب ایمان می‌آورد و گناهانش بخشیده می‌شود.

به همین ترتیب، تمام کارهایی که خدا به‌واسطه آنها انسان‌ها را عادل می‌شمرد، مانند ایمان آوردن ابراهیم به خدا و ترک دیارش، یا سوار شدن نوح و خانواده‌اش به کشتی، به منزله ایمان آوردن ایشان به عمل نجات‌بخش مسیح در آینده بود. کسی که به مار برنجین نگاه می‌کرد و زنده می‌ماند، در واقع به نمادی از کار آینده عیسی بر صلیب می‌نگریست؛ هر چند از آن اطلاعی نداشت، اما با عمل خود نشان می‌داد که به امانت خدا در انجام وعده نجات ایمان دارد.

از اینرو است که صلیب به‌عنوان عامل نجات به امری فارغ از زمان تبدیل می‌شود، و اهمیت چنین والا می‌یابد، زیرا قدرت آن نه فقط شامل انسان‌های زمان مسیح و بعد از آن می‌شود، بلکه عامل نجات‌بخش انسان در همه دوران‌ها است. ■

میراث کلیسایی ما

بخش سوم: کلیسای اسقفی

نوشته کشیش نینوس مقدس نیا

در سومین مقاله از این مجموعه، با معرفی کلیسای اسقفی، پرداختن به کلیساهای پروتستان و فعالیت آنها را در ایران آغاز می‌کنیم. با ظهور نهضت پروتستان در اروپای قرن شانزدهم، روح بشارتی تازه‌ای در کالبد مسیحیت دمیده شد که حتی کلیسای کاتولیک هم از آن پیروی نمود و بعدها مبعثرانی به شمال آفریقا و چین و قاره جدید اعزام کرد.

در مورد پیشگامان پروتستان فعالیت‌های بشارتی در ایران، باید از دو پزشک آلمانی به اسامی «هوکِر» و «روفر» نام برد که با غیرتی عظیم برای بشارت و به منظور احداث مرکزی بشارتی در یزد و برای زرتشتیان، در سال ۱۷۴۷ آلمان را به قصد ایران ترک کردند. آنان که از کلیسای بشارتی «موراوی» بودند، با مشکلات بسیار به اصفهان، پایتخت وقت ایران رسیدند، اما هرگز نتوانستند به مقصود خود که همانا یزد و فعالیت بشارتی در آنجا بود، برسند.

«انجمن بشارتی ادینبرو» اسکاتلند و «مبعثران بازل» آلمانی، از دیگر گروه‌های فعال در اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزده میلادی بودند که ضمن فعالیت در خاورمیانه و قفقاز و روسیه، به ایران و خدمات بشارتی در آن هم توجه داشتند. از شخصیت‌های برجسته این سازمانها می‌توان به «دکتر فاندِر» (نویسنده «سنجش حقیقت») و «ویلیام گلین» (مترجم عهدعتیق) اشاره کرد.

معرفی

کلیسای اسقفی در واقع با «کلیسای انگلیکن» که یکی از سه شاخه اولیه و اصلی نهضت پروتستان در قرن شانزدهم بود، پیوندی تاریخی و روحانی دارد. نهضت پروتستان در انگلستان قرن شانزدهم، حرکتی از بالا به پایین داشت و بنا به دستور پادشاه «هنری هشتم»، کلیسای این کشور رابطه خود را با روم قطع کرد و تحت ریاست پادشاه، مستقل شد.

در واقع این کلیسا خود را پروتستان به معنی اخص کلمه نمی‌داند و کاتولیک رومی هم نیست، بلکه بیشتر مایل است خود را پلی بین این دو بدانند و روح پروتستانی را در کالبد کاتولیکی حفظ کند.

مشارکت جهانی کلیساهای انگلیکن دارای ۴۴ عضو است، که دایره اسقفی ایران نیز از طریق «کلیسای اسقفی در اورشلیم و خاورمیانه» در آن عضویت دارد.

کلیسای اسقفی ایران در میان مشارکت کلیساهای انگلیکن در جهان، اکنون به لحاظ تعداد اعضا، شاید کوچکترین دایره اسقفی به شمار آید. اما در گذشته بسیار فعال بوده و بخش وسیعی از ایران، بخصوص نیمه جنوبی آن را تحت پوشش خدمات خود قرار می‌داده است.

تاریخچه

هنری مارتین

آغاز کار بشارتی کلیسای اسقفی در ایران را باید از زمان ورود «هنری مارتین»، مبعثر برجسته مسیحی به این کشور، محسوب نمود. وی که به عنوان مبعثر از سوی سازمانی که بعدها به «انجمن بشارتی کلیسا» (CMS) معروف شد، به هندوستان اعزام شد و در آنجا به آموختن زبانهای هندی و عربی و فارسی پرداخت. او در سال ۱۸۱۱ از طریق خلیج فارس، از هند به ایران آمد و در بوشهر از کشتی پیاده شد. وی مدتی در شیراز اقامت کرد و علاوه بر کوشش در تکمیل کار ترجمه عهدجدید به فارسی، که آن را پیشتر آغاز کرده بود، اجباراً به بحث دینی با روحانیون شهر هم کشیده می‌شد که همین امر برای او مشکلاتی به وجود آورد. وی از طریق اصفهان و تهران، قصد عزیمت به تبریز کرد و از آنجا نیز عازم استانبول شد تا به وطنش انگلستان مراجعت کند. ولی در راه، در حالی که فقط ۳۱ سال داشت، در ترکیه وفات کرد و توسط کشیشان ارمنی آنجا به خاک سپرده شد.

جوزف وولف

«جوزف وولف»، مبعثر انگلیسی آلمانی الاصلی یهودی تبار نیز که عضو سازمانی مسیحی جهت بشارت به یهودیان بود،



دو بار در سالهای ۱۸۲۴ و ۱۸۳۰ به ایران آمد و از شهرهای متعدد این کشور دیدار کرد.

در جریان اعزام هیأت‌های بشارتی گوناگون به میان آشوریان اورمیه در قرن نوزدهم، در سال ۱۸۸۶ هیأتی بشارتی نیز از سوی اسقف اعظم کاتربری که بالاترین مقام در کلیساهای انگلیکن است، به آن شهر اعزام شد. اعضای این هیأت صرفاً جهت کمک به کلیسای شرق آشوری و احیای کتب و منابع خطی آن آمدند، به همین علت هیچ کلیسای مستقلی در اورمیه و یا در کوههای کردستان در شرق ترکیه ایجاد نکردند. این فعالیت، در سال ۱۹۱۵ و با پراکندگی آشوریان از کوههای ترکیه و دشت اورمیه در اثر قتل‌عامها و اوضاع نابسامان حاکم بر آذربایجان در زمان جنگ جهانی اول، خاتمه یافت.

رابرت بروس

اما مبشران انگلیسی که غالباً از هندوستان عازم ایران می‌شدند، کار خود را در اصفهان و با کمک ارامنه جلفا آغاز می‌کردند. «انجمن بشارتی کلیسا» در سال ۱۸۶۹ یکی از مبشران خود را به نام «رابرت بروس» برای تحصیل زبان فارسی از هند به ایران اعزام داشت. وی در محله ارمنی‌نشین جلفای اصفهان اقامت کرد و به آموختن زبان فارسی پرداخت. پس از مدتی، از بازگشت به هندوستان منصرف شد و با اصرار از انجمنی که او را فرستاده بود خواست تا کار بشارتی مستقلی را در ایران آغاز نماید. این کار از سال ۱۸۷۵ و با خدمات بهداشتی و فرهنگی آغاز شد.

در سال ۱۸۸۳ اسقف لاهور که از ایران می‌گذشت، از کلیسایی که در نتیجه زحمات دکتر بروس تشکیل شده بود، دیدن کرد. وی ۶۷ نفر را در آن کلیسا به نشانه تأیید و پذیرش به

تأسیس شدند و در زمان خود پیشتاز اینگونه خدمات اجتماعی در کشور بودند.

خدمات فرهنگی

از مؤسسات مهم و معتبر کلیسای اسقفی در ایران، «کالج اصفهان» بود که بعدها به نام «دبیرستان ادب» نامیده شد و در سال ۱۹۴۰ همراه با کلیه مدارس خارجی به دولت ایران واگذار گردید. مدرسه دخترانه کلیسا در اصفهان، که بعدها به نام «دبیرستان بهشت آیین» نامیده شد، تحت نظر «میس آیدین» اداره می‌شد و از شهرت نیکوی بسیاری برخوردار بود.

انجمن کتاب مقدس

کشیشان اسقفی نقش مهمی در تأسیس و اداره انجمن کتاب مقدس ایران داشتند. در این بین، نه فقط از «ویلیام گلن» و «رابرت بروس»، بلکه از کشیشان «جالینوس حکیم» و «عدل نخستین» باید نام برد. نامبردگان اخیر در سال ۱۹۳۵، یعنی همان سالی که اسقف تامپسون جانشین اسقف لیتون شد، به مقام کشیشی دستگذاری شدند.

خدمات انتشاراتی

از دیگر فعالیت‌های کلیسای اسقفی در ایران، پرداختن به امور فرهنگی و انتشاراتی بود. چاپخانه این کلیسا در سال ۱۸۹۴ توسط «کشیش تیزدال» در جلفای اصفهان تأسیس شد و چندین جلد کتاب منتشر کرد. بعدها فعالیت مشترک کلیساهای اسقفی و انجیلی در ایران به تأسیس انتشارات «نور جهان» انجامید که به خصوص در سالهای پیش از تعطیل شدن آن انتشارات، سهم کلیسای اسقفی از طریق تألیفات و ترجمه‌های عالیجناب اسقف دهقانی، بسیار چشمگیر بود.

عضویت کلیسا دستگذاری کرد و بدین ترتیب اولین جماعت کلیسای اسقفی ایران در اصفهان تشکیل شد و یکی از اعضای ارمنی آن به نام «میناتراگان جورج» را به‌عنوان کشیش دستگذاری گردید. وی نخستین کشیش ایرانی کلیسای اسقفی بود که رسماً به شبانی کلیسای حضرت پولس در محله سنگتراشها در جلفای اصفهان، منصوب شد. به تدریج دامنه فعالیت این کلیسا گسترش یافت و در شهرهای یزد، کرمان، شیراز و حتی زاهدان، بیمارستانها و کلیساهایی تأسیس شد. بعدها خوزستان نیز همراه با کلیساهای اهواز و آبادان و فعالیت در سایر شهرهای آن، تحت سرپرستی دایره اسقفی ایران قرار گرفت.

خدمات

خدمات بهداشتی

از همان ابتدای کار، مبشران کلیسای اسقفی با خدمات بهداشتی خود، درد بیماران را، چه مسیحی و چه غیر مسیحی، التیام می‌بخشیدند. «دکتر هرنلی» در سال ۱۸۸۰ به جلفای اصفهان آمد و درمانگاهی تأسیس کرد. در ۱۸۹۱ خانم «مری برد» به او پیوست و در بازار شهر اصفهان درمانگاهی تأسیس نمود. سه سال بعد، در ۱۸۹۴، «دکتر دانلد کار» آمد و پس از مدتی، به احداث دو بیمارستان مختص زنان و مردان در شهر اصفهان پرداخت. بیمارستانهای مسیحی کلیسای اسقفی در شهرهای مختلف ایران، همه مراکزی بودند که نور محبت مسیح را بر افراد دردمند و بی‌پناه می‌تاباندند.

مراکز نابینایان

مؤسسات «کریستفل» و «نور آیین» از دیگر مراکز خدماتی کلیسای اسقفی در ایران بودند که جهت نگهداری و آموزش نابینایان و ناشنویان



همکاری با کلیسای انجیلی

به‌طور کلی، کلیساهای اسقفی و انجیلی در دوره‌ای طولانی، با یکدیگر همکاری و هماهنگی نزدیکی داشتند. سرودنامه فارسی این دو کلیسا یکی بود، اردوهای مشترک برای اعضای خود برگزار می‌کردند، انتشارات مسیحی‌شان یکی بود، و در هر چیز ملاحظه یکدیگر را می‌کردند. از نظر منطقه فعالیت و خدمت هم سعی می‌کردند تا کار هر یک باعث تداخل و تزامم در کار دیگری نباشد. به همین منظور، کلیساهای اسقفی در شهرهای نیمه جنوبی کشور فعال بودند، و کلیساهای انجیلی در شهرهای نیمه شمالی.

مشاهیر

شخصیت‌های برجسته بسیاری از این کلیسا برخاسته‌اند که به چند تن از آنان اشاره می‌کنیم.

هنری مارتین

«هنری مارتین» (۱۷۸۱-۱۸۱۲) به‌عنوان اولین کسی که کل عهدجدید را به فارسی ترجمه کرد، همواره از احترام خاصی در میان مسیحیان ایران برخوردار بوده است. وی که در ۲۲ سالگی به مقام کشیشی دستگذاری و شبان یک کلیسای روستایی در انگلستان شده بود، از همان ابتدا علاقه خاصی به زبان و ادبیات فارسی و به خصوص به سعدی داشت. در سال ۱۸۰۵ به عنوان مبشر، عازم خدمت در هندوستان شد. در آنجا به خدمت شبانی کلیسا و نیز تکمیل دانش خود از زبانهای عربی، فارسی و هندوستانی پرداخت. اما از سوئی، بیماری او را از پا در می‌آورد. قصد عزیمت به عربستان از طریق ایران را داشت، اما همان طور که پیشتر اشاره شد، مدتی در ایران ماندگار شد و

در راه بازگشت به وطنش در ترکیه جان سپرد. بعدها هنری مارتین از دفتر خاطراتش که حاوی یادداشتهای روزانه‌اش بود و نیز از روی نامه‌ها و مکاتباتی که با دوستان و همکاران داشت، بیشتر شناخته شد و عمق روحانی شخصیت متواضع او آشکارتر گردید. چندی پیش، چاپ افست کتاب مقدس قدیمی که ترجمه عهدعتیق‌اش از «ویلیام گلن» و عهدجدیدش از «هنری مارتین» است، توسط انتشاراتی غیر کلیسایی به بازار کتاب ایران آمد.

رابرت بروس

«رابرت بروس» (۱۸۳۳-۱۹۱۵) را باید مؤسس «انجمن بشارتی کلیسا» در ایران دانست. دکتر بروس را نه فقط به‌عنوان بنیانگذار فعالیت رسمی کلیسای اسقفی در ایران، بلکه بیشتر به‌خاطر تصحیح و ویرایش کتاب مقدس می‌شناسند. در واقع ترجمه قدیمی کتاب مقدس به زبان فارسی که توسط وی و با تصحیح نسخه هنری مارتین تهیه گردید و در سال ۱۸۹۵ به چاپ نهایی رسید، همچنان بعد از گذشت بیش از یک قرن، محبوب‌ترین و مؤثرترین نسخه کتاب مقدس برای فارسی‌زبانان ایران است. این ترجمه وزین، در سال ۱۹۹۶ با کوشش بی‌شائبه مسئولان و کارکنان مؤسسه «ایلام» در انگلستان، خطایابی و حروفچینی جدید شد و با ظاهری بسیار آراسته‌تر در اختیار مسیحیان ایرانی قرار گرفت.

نورمن شارپ

«کشیش نورمن شارپ» از دیگر چهره‌های برجسته کلیسای اسقفی ایران است. وی محققی توانا و هنرمندی زبردست بود. او در سال ۱۹۲۴ به ایران آمد و در طی اقامت ۴۳ ساله خود در ایران، آموخته‌های خود را از زبان، ادبیات، هنر

جلیل قزاق ابروانی

«جلیل قزاق ابروانی» (۱۲۵۷-۱۳۳۳ ه. ش.) از اعضای قدیمی و شناخته شده کلیسای اسقفی ایران بود. پدر وی که سرتیپ ارتش بود، او را به بهترین نحو زمانه خود تعلیم و تربیت نمود. جلیل علاوه بر تبخّر در ادبیات فارسی و عربی و دانستن زبانهای فرانسه و انگلیسی و ترکی، خطی خوش داشت که بی‌شک می‌توان او را از بهترین خطاطان زمان خود به‌شمار آورد. او در موسیقی ایرانی هم دستی داشت و تار و سه‌تار را نیکو می‌نواخت. هنگامی که در بیمارستان مسیحی اصفهان مشغول معالجه بیماری خود نزد «دکتر کار» بود، به مسیحیت علاقه‌مند گردید و بالاخره در سال ۱۹۲۲ م. (۱۳۰۱ ه. ش.) در کلیسای اصفهان تعمید گرفت و از آن پس تا آخر عمر، خود را مرید وفادار و پیرو صمیمی عیسی مسیح می‌دانست. وی مدتی به تدریس در مدرسه وابسته به کلیسا پرداخت اما با فوت همسرش از همه چیز دست کشید و زندگی درویش مسلکانه و صوفی‌مآبانه‌ای اختیار کرد. او شاعر، نویسنده، مترجم و خوشنویسی برجسته بود. بعضی از نمونه‌های خط او را هنوز می‌توان در کلیساهای

اوضاع کنونی

مهم‌ترین مشخصه کلیسای اسقفی، بافت تماماً فارسی‌زبان آن است. البته در ابتدای کار، بسیاری از مؤسسان این کلیسا از همکاری صمیمانه ارامنه اصفهان بهره‌مند شده‌اند و ارامنه خدمت بسیاری به تأسیس و رشد این کلیسا کرده‌اند. این کلیسا عضو آشوری نیز داشته، اما در مجموع، مراسم این کلیسا در تمامی شعباتش در سراسر ایران همواره به زبان فارسی بوده است. در واقع، کلیسای اسقفی خود را کلیسای فارسی‌زبانان ایران دانسته، نه کلیسای اقلیت‌های ایران.

شاید به همین دلیل، کلیسای اسقفی در دهه‌های اخیر با مشکلات بسیاری مواجه شده است. مصادره اموال و مسؤلان، مهاجرت بودن بعضی از کشیشان و مسؤلان، کمبود بسیاری از اعضا و شبانان، تنها قسمتی از این معضلات است. با شهادت کشیش ارسطو سیاح در شیراز و بهرام دهقانی در تهران در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ و الزام اسقف دهقانی به ترک وطن، بحران علیه کلیسای اسقفی ایران به اوج خود رسید. با این حال، آنانی که ماندند، زمام امور کلیسا را مدبرانه بر عهده گرفته، به پیش بردند. اکنون «عالیجناب اسقف ایرج متحده» اسقف دایره اسقفی ایران هستند و چند تن در حال گذراندن دوره لازم جهت کسب مقام شماسی‌اند که امید است بتوانند همچنان در تهران و شیراز یار و یاور اسقف خود باشند. به قرار اطلاع، در کلیساهای تهران و اصفهان و شیراز مراسم عبادتی برگزار می‌شود. ■

سال ۱۹۶۱ به مقام اسقفی دایره اسقفی ایران تقدیس شد. ایشان چهارمین اسقف این کلیسا در این مقام، و اولین اسقف ایرانی از آن میان بودند. این امر، قدم بزرگی در بومی شدن کلیسای ایران و سپردن اداره امور کلیسا به دست مسیحیان ایرانی بود. در پی ایشان چند تن از مسیحیان ایرانی فارسی زبان وارد خدمت کلیسا شدند، از جمله: کشیشان ارسطو سیاح - نصرت‌اله شریفیان - ایرج متحده - خداداد خسروی و خلیل رزم‌آرا.

اسقف دهقانی که در حدود ۲۵ سال پیش با مصایب تلخ و ناملايمات بسیاری مواجه شد، مجبور به ترک وطن گردید و اکنون همچنان دوران بازنشستگی را در انگلستان سپری می‌کند. با این حال همچنان در ایمان و فعالیت روحانی خود کوشا و راسخ است و به دلیل عشقی که ایران و ادب و فرهنگ آن دارد، به‌طور خستگی‌ناپذیری به کار تألیف و ترجمه و سرودن شعر می‌پردازد تا هموطنان خود را بیشتر با مسیحیت آشنا سازد. کتب ذیل تنها بخشی از آثار ایشان، به هنگام اقامت در ایران و نیز پس از آن است: یادداشت‌های سفر فرنگ - علل انحطاط مسیحیت در مشرق زمین - بقیه وفادار - تاریخچه کلیسای حضرت لوقا - پادشاه غمها و پادشاه پیروزمند - سخنان آخر - چون محزون ولی شادمان - سیرت شخص کامل - رنج الهی - علاج - گرانباری و آرامی - بهای محبت - مسیح و مسیحیت نزد ایرانیان (سه جلد) - پرسشها و پاسخها - منظومه داستان خدا و انسان، و بسیاری دیگر.



ایران یافت. علاوه بر قطعات مشهور شعرای ایرانی درباره مسیح و مسیحیت، چندین جزوه را نیز به خط زیبای خود از ابتدا تا انتها به نگارش درآورده است. «جلیل قزاق» عمر خود را صرف خدمت به کلیسا نمود، بی آنکه توقعی داشته باشد و یاروژی بگوید که کلیسا قدرش را ندانست.

اسقف دهقانی تفتی

بی شک در میان مشاهیر کلیسای اسقفی ایران، عالیجناب «اسقف ح. ب. دهقانی تفتی» را باید برجسته‌ترین دانست. وی که اولین اسقف ایرانی دایره اسقفی ایران است، خدمات روحانی بیشماری در ترجمه و تألیف کتب مسیحی و سرایش اشعار و سرودهای روحانی انجام داده است. وی پس از اخذ درجه لیسانس در رشته السنه از دانشسرای عالی به انگلستان عزیمت نمود و تحصیلات الهیاتی خود را در دانشکده الهیات دانشگاه کمبریج به پایان رسانید و پایان‌نامه خود را درباره «علل انحطاط مسیحیت در مشرق زمین» نگاشت که پس از چاپ آن به صورت پاورقی در نشریه «نور عالم»، مستقلاً و به صورت کتاب نیز منتشر گردید. در ۲۰ اوت ۱۹۵۰ در کلیسای شیراز به مقام کشیشی دستگذاری شد و از همان سال، شبانی کلیسای حضرت لوقای اصفهان را به عهده گرفت. در سال ۱۹۵۹ که بازنشستگی اسقف تامپسون اجتناب‌ناپذیر به نظر رسید، با پیشنهاد سراسقف اورشلیم و موافقت هیأت مدیره دایره اسقفی در ایران، «اسقف دهقانی» در

توضیح و پوزش

به علت اهمیت مقاله مربوط به کلیسای اسقفی، مایل بودیم تمام آن را در یک شماره منتشر سازیم. از اینرو، در این شماره، از درج مقاله مربوط به «تعلیم صحیح» نوشته آقای آرمان رشدی که در ص ۷ چاپ می‌شد معذور شدیم. بدینوسیله از خوانندگان عزیز پوزش می‌طلبیم.

موعظه خود را جذاب‌تر کنید!

جهان است» (۱ یوحنا ۴:۳). تنها راه مبارزه و زنده ماندن در رویارویی با فشارهای عدیده زندگی، پر شدن از قدرت و حضور عیسی مسیح است.

● بگذاریم مسیح در ما کار کند

(«لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند» غلاطیان ۲:۲۰). روزی شبانی سعی داشت به روستاییان ساده‌دل بیاموزد که چگونه به مسیح اجازه دهند که در درون آنان زیست کند. پس دستکشی کهنه و کثیف آورد و از روی منبر به همه نشان داد. به آنها توضیح داد که آن دستکش کهنه و بی‌ارزش است و به همین دلیل نیز دور اندخته شده است. سپس از نوازنده‌ای خواست دستکش را به دست کند و پیانو بنوازد. و گفت: «این دستکش کهنه می‌تواند هرکاری را که دست‌های نوازنده پیانو می‌کند انجام دهد. شما نیز اگر مسیح را به زندگی خود دعوت کنید و مثل کنترل کامل را به دست‌های او بسپارید، مثل این دستکش خواهید بود در دستان نوازنده پیانو.» شاید شما فکر کنید بی‌ارزش و بی‌قدرت هستید، اما وقتی مسیح در درون شما زیست کند، قادر به انجام کارهای خداپسندانه خواهید بود.

تمام دنیا دچار مشکل شده است.

● تفتیش خویشتن

(«ای خدا، مرا تفتیش کن... و ببین که آیا در من راه فساد است.» مزمو ۱۳۹:۲۳ و ۲۴). در زندگی مسیحی‌مان روشن بودن حساب ما با خدا امری است مهم. به همین جهت بسیار مهم است که به روح‌القدس اجازه دهیم قلبمان را جستجو کند و گناهانمان را به ما بنمایاند. وقتی از بازار برنج می‌خریم اول آن را در یک سینی بزرگ می‌ریزیم و به‌دقت سنگریزه‌ها را پاک می‌کنیم. ما نیز باید هر روزه از روح‌القدس بخواهیم با ما چنین کند.

● زورآور بودن در خداوند

(«در خداوند... زورآور شوید» افسسیان ۶:۱۰). یک زیردریایی به همان نسبت که به عمق اقیانوس‌ها فرو می‌رود، تحت فشار شدیدتری قرار می‌گیرد؛ و برای مقابله با این فشار در آن پمپ‌هایی تعبیه شده که فشار داخل و خارج را متعادل نگه می‌دارد. اگر فشار داخل کمتر از فشار وارده از خارج باشد، زیردریایی متلاشی خواهد شد. ما نیز تحت فشارهای بیرونی شدیدی قرار می‌گیریم و اگر ندانیم چگونه در خداوند قوی باشیم، زندگی ما را متلاشی و نابود خواهد کرد. اما ما می‌دانیم «او که در شما است، بزرگتر است از آنکه در

از این شماره، این صفحه را که قبلاً اختصاص داشت به ارائه «طرح کلی برای تهیه موعظه»، اختصاص می‌دهیم به ارائه مثال‌ها، نمونه‌ها و داستانهای جالب برای به کار بردن در موعظه‌ها و اثربخش کردن آنها. مثال‌ها و تشبیهات مناسب می‌تواند در روشن کردن نکات مهم موعظه و جای دادن حقایق کلام خدا در ذهن مردم نقش به‌سزایی ایفا کند. موعظه بدون مثال همچون خانه‌ای است بدون پنجره. در این شماره، به ارائه چند مثال می‌پردازیم:

● در خصوص تلخی

(عبرانیان ۱۲:۱۵) یک روز عصر پدر بزرگ خانواده روی میل دراز کشید تا چرتی بزند. اما نوه‌اش تصمیم گرفت سر به سر او بگذارد. پس رفت و مقداری پنیر کهنه و بدبو خرید و در حالی که پدر بزرگ در خواب بود پنیرها را گرم کرد و به سیل او مالید. وقتی پدر بزرگ بیدار شد، بوی بسیار بدی احساس کرد و با صدای بلند فریاد زد: «وای، چه بوی بدی!». بعد به آشپزخانه رفت و گفت: «اینجا هم همان بوی بد را می‌دهد!» و در هر اطاقی که می‌رفت این جمله را تکرار می‌کرد. سپس به حیاط خانه رفت و باز با صدای بلند فریاد زد: «تمام دنیا از این بوی بد و ناخوشایند پر شده!» «تلخی» نیز مثل بوی بدی است که هر جا برویم با ما خواهد آمد - شاید هم ما را وا دارد که فکر کنیم

Shalom Cassettes
Postfach 101615
86006 Augsburg
Germany
Tel: +49-8231-919573
Fax: +49-8231-919551
email: shalom@gichurch.org

مراجعه کنید: www.gichurch.org

در ضمن، برای تماس با شالوم کاست، می‌توانید با نشانیهای زیر تماس حاصل بفرمایید:

مؤسسه «شالوم کاست» که توزیع‌کننده نوارهای صوتی و تصویری مسیحی است، اخیراً سایتی بر روی اینترنت دایر کرده است. برای آگاهی از منابع این مؤسسه، به این سایت